

گروه اسمی (۱)

آموختیم که گروه اسمی از یک اسم به عنوان هسته و یک یا چند وابسته تشکیل می‌شود اما وجود وابسته اجباری نیست.

آفتاب در پرده نخواهد ماند.

آفتاب روشن در پرده نخواهد ماند.

آفتاب روشن حقیقت در پرده نخواهد ماند.

وابسته‌های بالا را پسین می‌نامیم؛ از آن رو که پس از هسته قرار می‌گیرند. اما

وابسته‌های زیر، پیشین نام دارند:

در چنین دورانی بود که گالیله قد علم کرد.

در کدام دوران گالیله قد علم کرد؟

در همان دوران گالیله قد علم کرد.

هیچ دورانی از آدم‌های بزرگ خالی نیست.

برترین نیروی آدمی توانایی شناخت دنیا است.

به هر چهار دانش‌آموز شرکت‌کننده در اردو یک اتاق می‌دادند.

سال گذشته با این ویژگی‌های اسم آشنا شدیم:

(۱) شمار

(۲) شناس، ناشناس، اسم جنس

(۳) عام، خاص

(۴) ساخت

شمار

دانستیم که اسم یا مفرد است یا جمع یا اسم جمع
مفرد: اسم مفرد در فارسی نشانه‌ی ویژه‌ای ندارد؛ جز چند اسم جمع از قبیل:
لشکر، سپاه، قبیله، ایل، طایفه، کاروان، قافله، ملت، رمه، گله. بقیه‌ی اسم‌ها در فارسی
مفردند و بر یکی دلالت می‌کنند: کتاب، درخت، پرند.

جمع: برای نشان دادن تعداد بیش از یکی، از وابسته‌های پسین (= نشانه‌های جمع)^۱
استفاده می‌شود. این وابسته‌ها به ترتیب کثرت کاربرد عبارت‌اند از:

(۱) **ها:** تقریباً همه‌ی کلمات حتی واژه‌های دخیل را با این نشانه جمع می‌بندند:
سال‌ها، آدم‌ها، لحظه‌ها، خطر‌ها، مغول‌ها، ماشین‌ها، تلفن‌ها، فوتبالیست‌ها.
(۲) **ان:** سخنان، جانوران، گوسفندان. این نشانه‌ی جمع دو گونه‌ی دیگر نیز دارد:
گان، یان.

گان: ویژه‌ی کلماتی است که به (ه / ه) ختم می‌شوند: ستارگان، بیچارگان،
فرشتگان^۲.

یان: ویژه‌ی کلماتی است که به مصوت‌های (ا، و) ختم می‌شوند: آشنایان،
دانشجویان^۳.

(۳) **ات:** اثرات، اشتباهات، دهات.

(۴) **ین:** برخی از واژه‌های عربی، در فارسی با این نشانه‌ی جمع کاربرد دارند:
ضابطین.

(۵) **ون:** این نشانه‌ی جمع نیز به ندرت در فارسی به کار می‌رود: مادّیون، انقلابیون.

(۶) **جات:** این نشانه بیشتر بر مجموعه دلالت می‌کند تا جمع: ترشی‌جات، سبزی‌جات.

* **جمع مکسر:** این جمع نیز ویژه‌ی کلمات عربی است که برخی از آن‌ها در فارسی
به کار می‌روند: آثار، ملوک، نکات، قصور، مدارس، عقلا، منازل، ابنیه.

(۱) از این نشانه‌ها تنها **ها** و **ان** فارسی هستند و بقیه از عربی وارد زبان فارسی شده‌اند. شمار اندکی از
واژه‌های فارسی را نیز با این نشانه‌ها جمع بسته‌اند.

(۲) ه / ه در نوشتن حذف می‌شود.

(۳) استثنا نیز دارد؛ مثل بانوان، ابروان، زانوان.

فعالیت

درباره‌ی جمع‌های مکسر صفحه‌ی پیش و صورت‌های مفرد آن‌ها گفت‌وگو کنید.

اسم جمع مانند مفرد نشانه‌ای ندارد اما بر یک مجموعه دلالت می‌کند: ملت، امت، جمعیت، گروه، دسته، جوخه.

شناس (معرفه)، ناشناس (نکره)، اسم جنس

اسم به یکی از سه صورت زیر به کار می‌رود:

۱) **شناس**: اسمی است که برای شنونده یا گوینده شناخته باشد. برخی نشانه‌های اسم‌شناس (معرفه) عبارت‌اند از:

الف) **را پس از اسم جنس**: کتاب را خریدم.

ب) «این» و «آن» و «کدام» **پیش از اسم جنس**: چون خودم در انتخاب یکی از آن دو کتاب تردید داشتم، از کتابدار که آدم آگاهی بود، پرسیدم کدام کتاب را بخرم؟ او این کتاب را پیشنهاد کرد.

پ) **اسم جنسی که مضاف‌الیه آن شناس باشد**: پدر جمشید، کلاه این پسر

۲) **ناشناس**: اسمی است که برای گوینده یا شنونده به صورت ناشناس به کار می‌رود و پیش از «ی» یا پیش از «ی» و «را» می‌آید:

هرگز سخنی را بی‌تأمل بر زبان میاور.

کتابی (را) با خود آورده بود.

اسم **ناشناس** اگر بار دیگر در کلام بیاید **شناس** می‌شود: کتابی خریدم. کتاب خوبی

بود.

۳) **اسم جنس**: اسمی است که بدون هیچ نشانه‌ای به کار رود و منظور آن تمام افراد

طبقه‌ی خودش باشد: اسم جنس معمولاً به صورت مفرد به کار می‌رود.

کتاب برای تزیین اتاق نیست، برای خواندن و بهره‌مند شدن است.

عامّ و خاص

اسم عام: همه‌ی وابسته‌های پسین و پیشین اسم را می‌پذیرد: **کتابی** را که سفارش کرده بودید، خریدم. **بینید همین کتاب است؟**

اسم خاص: برخلاف اسم عام دو وابسته‌ی پسین (نشانه‌های جمع – ی نکره) را نمی‌پذیرد:

بهروزی آمد. بهروزها آمدند.

گاه اسم مشاهیر را می‌توان جمع بست. حتی در این صورت هم این گونه اسامی، «خاص» هستند.

ساخت اسم

اسم را از نظر ویژگی ساخت، یعنی اجزاء تشکیل دهنده، به چهار نوع زیر تقسیم می‌کنیم:

الف) اسم ساده: اسمی است که فقط یک جزء (تکواژ) دارد: **قبیله، بوته، شنبه، رستم، فرهنگ، شمشاد، کبریت، گوسفند.**

ب) اسم مرکب: اسمی است که از دو یا چند جزء (تکواژ) مستقل ساخته می‌شود: **شاهنامه، دادسرا، کارمزد.**

برخی اسم‌های مرکب این گونه ساخته می‌شوند:

- (۱) دو (یا چند) اسم: **مهمان‌سرا، مادرزن، لاک‌پشت، کتاب‌خانه.**
- (۲) صفت + اسم: **سیاه‌سرفه، نوروز، پنج‌شنبه، چهارراه.**
- (۳) اسم + بن‌ماضی: **کارکرد، دست‌برد، رهاورد.**
- (۴) اسم + بن‌مضارع: **گل‌گیر، مدادتراش، خط‌کش، خاک‌انداز، آب‌کش.**

فعالیت

درباره‌ی دیگر نمونه‌های اسم‌های مرکب گفت‌وگو کنید.

پ) اسم مشتق: اسمی است که یک جزء آن معنای مستقل ندارد؛ یعنی **وند** است :
گفتار، خوبی، روزه، گرما.

برخی اسم‌های مشتق این‌گونه ساخته می‌شوند :

۱) بن مضارع + پسوند **ـ ش** : آموزش، گردش، پرورش، ورزش.

۲) بن ماضی + پسوند **ـ ار** : گفتار، کردار، دیدار، رفتار.

۳) اسم + پسوند **ـ ه / ـ ه** : روزه، ریشه، دماغه، ساقه، لبه.

۴) بن ماضی + پسوند **ـ ن** : رفتن، دیدن، شنیدن. (مصدر)

۵) صفت + پسوند **ـ ی** : خوبی، بدی، سفیدی، سیاهی.

۶) اسم + پسوند **ـ ک** : عروسک، موشک، خرک، پفک.

ت) اسم مشتق — مرکب: اسمی است که ویژگی‌های مشتق و مرکب را با هم داشته

باشد :

دادویداد، تکاپو، دوچرخه، نی‌لبک، سربازگیری، سه‌گوشه، کُشت‌و‌کشتار، گفت‌و‌گو،

پاسداری، سی و سه پل.

نام آوا

صداهاى طبیعى و بى معنای پیرامون ما، (صدای موجودات زنده و غیرزنده) را «نام آوا»

می‌نامند. نام آواها از مقوله‌ی اسم هستند و در جمله نقش گروه اسمی می‌گیرند :

«این درست است که تنفّر یا لذّت به ذوق سلیم وابسته است و هر کسی ذاتاً از قارقار

کلاغ و هوهوی جغد بیزاری می‌جوید و از جیک‌جیک گنجشک مسرور می‌شود اما

هیچ‌کس نمی‌تواند شادی گم‌شده‌ای را در بیابان از شنیدن واق‌واق سگی که خبر از آبادی

نزدیک می‌دهد انکار کند.»

فعالیّت

نام‌آواهای آب، آتش، باد، صدای برگ خشک در زیر پا و رعد را بیان

کنید.

۱- نشانه‌های جمع، تر، ترین، و نشانه‌ی نکره (ی) در تغییر ساخت واژه نقشی ندارند.